

## برگهای از جلد دوم کتاب: (جنگهای کابل سال ۱۳۷۱-۱۳۷۵ شمسی)

اثری در دست تهیه

### جنگ افشار



به یاد بود و ادای تعظیم به روح قدسی جانباختگان قتل عام در افشار مورخ ۲۱ دلو ۱۳۷۱ خ (۱۰ فیروزی سال ۱۹۹۳ م) در تداوم جنگ های پنجساله گروههای مجاهدین و ملیشه ها در فاصله سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۵ خ در کابل یکی از غم انگیزترین و وحشتناکترین وقایع آن، کشتار جمعی بیگناهان در جریان جنگها از جمله در ساحه افشار است، که کابل و کابلیان در طول قدامت تاریخی اش هیچگاهی اینگونه مورد خونریزی، ویرانگری، تجاوز و تحقیر قرار نگرفته است.

هر قدر پا به پای جنگهای کابل به پیش برویم، هر قدر به کاروایی سران تنظیمهای جهادی و قوماندانان جنگها در سازماندهی، برنامه ریزی و

تداوم جنگهای ذات البینی گروههای مجاهدین از نزدیک آشنا شویم، به همان اندازه سوزش تلخی این واقعیت را در مغز و استخوان خود بیشتر احساس می کنیم که، قربانیان اصلی این جنگها، باشندگان معصوم و بیگناه وطن بوده اند، این مردم بودند که در جنگهای عظمت طلبی گروههای خون آشام جنگ، به وحشیانه ترین شکل قتل عام گردیده اند.

متأسفانه تا به حال بنا بر سیطره عاملان کشتار جمعی (رهبران و قوماندانان جهادی) در کرسی ها و رده های بلند (در دولت حامد کرزی) تحت حمایت ناتو و تلاش عوام فریبانه جهت مستور نگهداشتن جنایات جنگی انجام شده (که می خواهند آثار جرم فردای بازرسی را از میان بردارند) القاب اسطوره و قهرمان تراشی و مداحی که قوماندانان جنایتکاران جنگی را تا عرش اعلی میرسانند بشکل فاجعه سکوت را در میان سازمانهای طویل و عریض حقوق بشری، داخلی و خارجی مستولی گردانیده است.

توفیق ارائه فهرست جامعی از کل کشتارهای جمعی در جنگهای کابل که بگونه پهناور صورت گرفته است، کاریست دشوار، با آنهم نگارنده کوشیده است حقایق دریافتی را با سیری گذرا و شتابناک پیرامون گوشه های این فجایع کم نظیر تاریخی، نخست از همه جهت ادای تعظیم به روح قدسی و ملکوتی شهدا، جانباختگان جنگهای کابل و افشار و ثبت در اوراق تاریخ ارائه دهد.

این قلم زنگار بسته اعتراف مینماید که در ادای حق مطلب نسبت بچنین موضوعی زجرآور و المناک مؤفق نبوده است، اما این یافته ها بعنوان گوشه های این تراژیدی خونین میتواند، الگوی اولیه بررسی ها و تحقیقات بعدی قرار گیرد:

#### فاجعه افشار ۱-

مبرهن است که باشندگان کابل، تاریخ خونین و پرمخافتی را در جریان جنگهای تنظیمهای مجاهدین (۱۳۷۱-۱۳۷۵ خ) سپری کرده اند، در این میان قتل عام در افشار کابل مورخ ۲۱ و ۲۲ ماه دلو سال ۱۳۷۱ یکی از غمبارترین و دهشتناکترین آنهاست.

در افشار کشتار انسانهای بیگناه و فجایع انجام شده تا سرحد «ژنوساید» نسل کشی انجامیده است. با دنبال نمودن جریان عملیات محاروبی و تهاجم برافشار میتوان به بخشی از جنایاتی که در آنجا بوقوع پیوسته پی برد، ابعاد قساوت و بی رحمی چنان وسیع است که خواندن و نوشتن هر واقعه آن، انسان را به وحشت اندر میکند، زنان، مردان، کودکان پیر و جوان به بیرحمی کشته شده، آنهاييکه از فاجعه افشار جان به سلامت برده اند، با زخم های عمیق روحی و روانی با دشواری، اکنون به زندگی ادامه میدهند.

آنچه در جریان تهاجم به افشار اتفاق افتاده بسیار گسترده و پهناور تر از خود جنگ و قلمرو آن است، در اینجا سران و قوماندانان (مجاهدین؟) با استفاده ابزاری از دین و مذهب و برانگیختن عصبیت های مذهبی و قومی بخاطر حفظ جلال و جبروت شان، دست به قتل عام زده اند. با خدعه و عوامفریبی تسنن را در برابر تشیع، پشتون و تاجیک را در برابر هزاره به انتقام کشی های خونین واداشته اند. دامنه کشتار جمعی، تجاوز بر زنان، چور و چپاول، گروگان گیری، اسارت و کارهای وحشیانه بسیار فراتر از شکنجه های قرون وسطایی کشیده شده است.

دپانو شمیره: له ۱ تر 4

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

## اهداف تهاجم بر افشار:

عملیات تهاجمی که از سوی حکومت اسلامی کابل تحت رهبری برهان الدین ربانی و احمد شاه مسعود در بیست و یکم ماه دلو سال ۱۳۷۱ خ، با بسیج و استعمال طیف وسیع نیروهای نظامی در افشار اجرا گردید، برای هر دو جناح جنگ (حکومت اسلامی) و (حزب وحدت اسلامی) دارای اهمیت خاص و استثنایی بود.

گذشت ده ماه جنگ قبل از فاجعه افشار، چالش‌ها و دگرگونی‌های جدیدی را در اوضاع سیاسی و نظامی بوجود آورده بود، ستراتیژی تفوق یک جناح، علیه جناح دیگر رنگ باخته، صف بندی‌ها و ائتلاف‌های جدیدی شکل گرفته بود.

در این میان (ربانی و مسعود) به اتحاد اسلامی (سیاف مبلغ قرأت و هابی) که دارای جرثومه فکری مشترکی بودند، نزدیکی بیشتری حاصل نموده و نه تنها نتوانسته بودند به هدف اصلی خود سرکوب نهایی حزب اسلامی حکمتیار نایل گردند، بلکه با حریف نیرومند دیگری، حزب وحدت اسلامی که بخش‌های غرب شهر را از معبر گذرگاه تا دشت برچی و از دهمزنگ تا گردنه باغ بالا و افشار را در انقیاد خود درآورده بود و تا رسیدن به دروازه‌های ارگ، و رکاب قدرت فاصله کمی برایش باقیمانده بود، مواجه شده بود. در چنین حالی حکومت «ربانی» با دو حریف پرتوان در حالی مواجه گردیده بود که حمایت ملیشه‌های شمال را هم از دست داده بود.

با این حال مسعود بخاطر رهایی از این بن بست نظامی، و جبران شکست‌ها و کمبودهای ستراتیژی نظامی اش، خواست یکجا با متحد نظامی خود (اتحاد اسلامی تحت رهبری عبدالرسول سیاف) و حمایت شیخ آصف «محسنی» رهبر (حرکت اسلامی) با یک نیروی تهاجمی با حزب وحدت قاطعانه به تصفیه حساب پرداخته و از او انتقام بکشد.

از منظر دیگر آغاز تهاجم بر افشار (قرارگاه حزب وحدت هوشداری بود به ایران، حامی دایمی حزب وحدت اسلامی که با صفیر گلوله‌ها به تهران بفهمانند در صورت کم‌مهری و عدم تمکین به خواسته‌های آنها قادر اند حزب وحدت را قلع و قمع نموده از کابل به بیرون اندازند. و سپس - تهاجم بر افشار و امحای حزب وحدت، نمایش پر مدعای جهت جلب کمک‌های امریکا و سعودی‌ها بود که هر دو دشمن سر سخت ایران بودند، با پژواک گلوله‌ها، و جویباری از خون و تل اجساد هزاره‌ها در افشار بیان میشد که اگر مورد عنایت امریکا و سعودی‌ها قرار بگیرند قادر اند دست ایران را از افغانستان قطع نمایند.

شکست در جنگ با حزب وحدت برای (مسعود) مانند جام زهری بود که می‌بایستی لاجرم سر می‌کشید، از اینرو با بسیج همگانی، و گسترده قوتها و امکانات نظامی جهت سرکوب حزب وحدت عمدتاً بدو هدف احضارات گرفته بود:

نخست آنکه: احمد شاه مسعود خواسته بود که قرارگاه سیاسی و نظامی حزب وحدت اسلامی را که در عمارت انستیتوت علوم اجتماعی، متصل به افشار موقعیت داشت، و به مرکز یک حکومت علیحده مبدل گردیده بود، اشغال نموده، عبدالعلی مزاری و اعضای رهبری حزب وحدت را در جریان تهاجم کشته و یا دستگیر نماید.

دوم آنکه: با یک تهاجم سازمان یافته حزب وحدت را از ساحه غرب کابل به دور انداخته، مناطق تحت کنترل او را به تصرف درآورده، ساحه حاکمیت خویش را در غرب شهر وسعت بخشیده با مناطق تحت نفوذ (اتحاد اسلامی سیاف) متحد خود در غرب کابل وصل نماید.

## قوت‌های نظامی اشتراک داشته در تهاجم افشار.

در یکسوی جنگ قوت‌های نظامی که در عملیات تهاجمی بر افشار به تاریخ ۲۱-۲۲ دلو سال ۱۳۷۱ خ شرکت داشتند، به احمد شاه مسعود و ربانی و قوت‌های نظامی ائتلافی او (عبدالرسول سیاف و شیخ آصف محسنی) مربوط بود.

در سوی دیگر - قوت‌های مدافع را (حزب وحدت اسلامی تشیع) تحت رهبری عبدالعلی مزاری، کریم خلیلی و محمد اکبری که در ساحه افشار صف آراسته بودند تشکیل میداد.

## قوماندانان عمومی عملیات تهاجمی بر افشار:

قوماندانی عمومی عملیات تهاجمی بر افشار مورخ ۲۱-۲۲ ماه دلو سال ۱۳۷۱ خ مطابق ۱۰ و ۱۱ فبروری سال ۱۹۹۳ م را که موجب قتل عام ساکنین مؤمن و معصوم و جنایات هول انگیز در افشار گردید، شخص احمد شاه مسعود به عهده داشت. (مسعود) بحیث سازمان دهنده و قوماندان اصلی عملیات، قوت‌های نظامی مربوط (شورای نظار - جمیعت اسلامی) را به گونه مستقیم و قوت‌های نظامی متحدان ائتلافی خود (اتحاد اسلامی) مربوط سیاف و حرکت اسلامی شیخ آصف محسنی را بطور غیر مستقیم در این عملیات رهبری و سوق و اداره مینمود. قوماندانی قوت‌های حرکت اسلامی را قوماندان سید حسین انوری به عهده داشت.

در عین حال قوماندانی قوت‌های اتحاد اسلامی را که در غرب کابل آماده تهاجم بودند، شخص عبدالرسول سیاف و قوماندانان دیگر او درحالیکه با قرارگاه عمومی، و مرکز فعالیت مسعود در ارتباطات سیستماتیک مخابره ای قرار داشتند، سوق و اداره می نمودند.

قرارگاه قوماندانی مسعود در چهار راهی کارته پروان در یک عمارت (مربوط رحیم پنجشیری معروف به رحیم غلام بچه) حدود دونیم کیلومتر از قرارگاه حزب وحدت دور تر موقعیت داشت. این قرارگاه با تدابیر وسیع امنیتی، جابجایی وسایط و سیستم های مخابره، آتشبار های سبک و سنگین و وسایط زرهی مجهز گردیده، و شبکه های ارتباطات آن با تمام قومتمندان شرکت داشته در عملیات تهاجمی بطور سیستماتیک تأمین گردیده بود. همهچنان در عملیات محاروبی افشار که قتل عام باشندگان بیگناه در قبال آورد، تعداد زیادی از قوماندانان نیروهای نظامی متخاصم، مجاهدین از هر دو جناح جنگ اشتراک نموده بودند که ارائه فهرست کامل وهمگانی از آنها را دشوار گردانیده است.

درینجا به فهرستی استناد میشود که بوسیله یک سازمان بین المللی (پروژه عدالت برای افغانستان) ارائه داده شده: (۱)

#### یک:

قوماندانان جمعیت اسلامی (شورای نظار) که در عملیات تهاجمی بر افشار سهم عمده داشتند، از این قرارند:

- احمد شاه مسعود قوماندان عمومی (و منسوبان قرارگاه او)

- ملا محمد قسیم فهیم، رئیس اداره استخبارات حکومت اسلامی، مسئول کشف که در برنامه ریزی عملیات و جریان آن نقش عمده را بعهده داشت.

- انور دنگر قوماندان جهادی فرقه شکر دره

- ملا عزت قوماندان فرقه جهادی پغمان

- محمد اسحاق پنجشیری قوماندان لوای جهادی

- حاجی بهلول پنجشیری قوماندان لوا

- بابیه جلندر پنجشیری قوماندان لوا

- خنجر احمد پنجشیری قوماندان غند

- مشتاق لعلی قوماندان کندک

- باز محمد احمدی بدخشانی قوماندان فرقه قرغه

- بسم الله خان محمدی قوماندان ریزرفهای تهاجمی

- محمد صالح ریگستانی رئیس اپراسیون

همچنان در این عملیات محمد یونس قانونی، داکتر عبدالرحمان، داکتر عبدالله عبدالله، بابیه جان، حاجی الماس و گل

حیدر و شمار دیگر نیز سهم خاص را ایفا نموده اند.

#### دو:

قوماندانان تنظیم اتحاد اسلامی که در عملیات تهاجمی بر افشار نقش عمده ایفا نموده اند اینها اند:

- عبدالرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی، سوق و اداره قطعات عملیاتی خود را به عهده داشت.

- احمد شاه احمدزی وزیر داخله

- حاجی شبر علم قوماندان فرقه پغمان

- زلمی توفان قوماندان لوای ۵۹۷ که در کمپنی پغمان موقعیت داشت

- داکتر عبدالله قوماندان غند مربوط لوای ۵۹۷

- جگر نعيم قوماندان غند مربوط لوای ۵۹۷

- قوماندان ملا تاج محمد که در برنامه ریزی و اجرای عملیات سهم داشت

- قوماندان عبدالله شاه با قطعه مربوطه اش

- قوماندان خنجر با قطعه مربوطه اش، که روز دوم به جبهه جنگ در افشار سوق گردید

- عبدالمنان دیوانه قوماندان غند، با قطعه اش روز دوم به عملیات سوق گردید

- امان الله کوچی قوماندان غند با قطعه اش روز دوم به عملیات سوق گردید

- شریں قوماندان غند با قطعه اش روز دوم به عملیات سوق گردید

- ملا کچکول با قطعه اش روز دوم به عملیات سوق گردید.

#### سه:

: قوماندانان جبهه مقابل، حزب وحدت اسلامی که در عملیات تدافعی افشار، سهم داشتند قرار ذیل اند:

- قوماندانی عمومی حزب وحدت اسلامی را شخص عبدالعلی مزاری و (شورای رهبری) آن و مشاور ارشد نظامی،

سید یزدان پناه، هاشمی که از قرارگاه عمومی در عملیات انستیتوت علوم اجتماعی جوار افشار موقعیت داشت به عهده داشتند.

قطعات و جز و تام ها و قوماندانان شرکت داشته حزب وحدت عبارت اند از:

- قطعات و جز و تام های مربوط فرقه ۹۵ تحت قوماندان علی اکبر قاسمی که در ساحه اطراف پولیتخنیک جا بجا بود.

- جز و تام های فرقه ۰۹۶ تحت قوماندۀ حاجی امینی
- قطعات مربوط فرقه ۰۹۷ تحت قوماندۀ ابوذر
- جز و تام های دارای اسلحه ثقیل تحت فرمان سخی خان
- بر علاوه سید علی علومی منشی، عیدی محمد، ابراهیمی (خادم حسین، اخلاص جاغوری، جان محمد ترکمنی، عباس جعفری) نیز سهم داشتند.

### شرح عملیات تهاجمی برافشار:

#### الف - در مرحله احضارات: تدابیر و اقدامات زیر صورت پذیرفت:

- تمام قطعات و جز و تام های شرکت داشته در عملیات افشار، دو روز قبل از سوی احمد شاه مسعود به حال احضارات محاربوی در آورده شده ، از لحاظ تخنیک محاربوی، اسلحه، مهمات و پرسونل اکمال گردیدند.

- مواضع آتشی مربوط احمد شاه مسعود در چکار آسمایی، تپه های علی آباد و امتداد آن تا بلندی های مشرف به سیلو و کارته مامورین، بر علاوه اکمالات قبلی، مجدداً به وسیله توپ های بی ام ۲۱، بی ام ۱۴ و Zeo ۲۳ و Zeo ۲۱ و توپهای ۷۶ و ۵۷ م م و ماشیندارهای ثقیل با انبوه مهمات تقویه و تحکیم یافتند.

مواضع آتشی در چکاد (آسمایی) که عظیم ترین زراد خانه آتشی را در خود داشت وظیفه آن در جریان عملیات این بود که در ساحه غرب کابل، خاصتاً مناطق هزاره نشین قرارگاه حزب وحدت، مناطق افشار، اطراف سیلو، خوشحال مینه، کوه سنگی، کارته سخی، کارته های ۳ و ۴، مهتاب قلعه و دشت برچی را تحت ضربات آتش قرار داده، هر جنبه ای را نابود کند.

- اقدامات خاص استخباراتی بمنظور تطمیع و باز خرید وفا داری قوماندانان حزب وحدت و (حرکت اسلامی) مربوط شیخ آصف محسنی که در ارتفاعات کوه (رادار) شمال افشار جابجا بودند، از سوی ملا قسیم «فهیم» راه اندازی شده بود. یک نظامی ارشد که در آنزمان قوماندانی قطعات جنبش ملی مربوط رشید دوستم را در کابل به عهده داشت، از قول عبدالعلی مزاری به نگارنده گفت که: «شماری از قوماندانان حزب وحدت که در ارتفاعات تپه رادار در شمال افشار جابجا بودند، به وسیله استخبارات قسیم فهیم خریداری شده بودند که حین حمله از جنگ و مقاومت دست بکشند، به آنها مبلغ یکصد هزار دالر امریکایی پرداخته شده بود، بعداً معلوم شد که این دالرها تقلبی بوده اند.»

- در این مرحله تدابیر تبلیغاتی بمنظور تقویت روحیه و مورال مجاهدین شرکت داشته در عملیات و عمدتاً با تشدید مرز بندی های قومی و مذهبی تسنن و تشیع و همچنان اقدامات بمنظور تضعیف روحیه و مورال پرسونل حزب وحدت، با پخش افواها ترس آور اتخاذ و عملی گردیده بود.

- مساعی کشفی و استخبارات جهت تثبیت کوردینات ها، و آتشگاه های حزب وحدت، مواضع تانکها، محلات مقاومت، محلات تجمع در عقب جبهه آن جهت وارد آوردن ضربات هوایی بر آنها صورت گرفته بود.

#### ب- تشریح مساعی و تدابیر هماهنگ کننده در تهاجم افشار:

احمد شاه مسعود قوماندان عمومی تهاجم بر افشار، اقدامات و تدابیر هماهنگ کننده را جهت تشریح مساعی قوتهای شرکت داشته در عملیات اتخاذ و مورد تطبیق قرار داد بدین منظور:

- دو روز قبل از شروع عملیات تهاجمی، همایش رهنمودی را در (بادام باغ) با جمع قوماندانان ارشد مربوط خود بشمول قوماندانان اتحاد اسلامی مربوط سیاف (حاجی شیر علم و زلمی توفان) و قوماندان سید حسین انوری مربوط (حرکت اسلامی) نیز در آن شرکت داشتند، دایر کرد. وظی آن برنامه تهاجم برافشار را در مراحل مختلف توضیح نموده، اقدامات و مساعی قاطعانه همه را در راه پیروزی و سرکوب قطعی حزب وحدت مطالبه کرد.

- جلسه دیگر در این راستا تحت رهبری شخص «مسعود» شب قبل از تهاجم به افشار در قرارگاه اش در کارته پروان، جایی که او از آنجا عملیات تهاجمی را سوق و ادامه میگرد، و مرکز فعالیت های خاص استخباراتی بود با شرکت تمام اعضای رهبری و قوماندانان مربوط خود که در عملیات شرکت داشتند، برگزار کرد. مسعود در این جلسه با توضیح اهداف سیاسی و نظامی عملیات در باره وضح، احضارات محاربوی، تعداد پرسونل، سلاح و وسایط، خطوط تدافعی، محلات مقاومت، ریزرف های حزب وحدت معلومات ارائه داده، مساعی قاطعانه قوماندانان مربوط را در سرکوب و شکست حزب وحدت، اشغال قرارگاه سیاسی و نظامی او و راندن او از غرب کابل و افشار طلب کرد.

جلسات مشابه از سوی عبدالرسول «سیاف» در شب عملیات تهاجمی به افشار با قوماندانان مربوطه اش که در عملیات روز اول، و روز دوم شرکت داشتند برگزار گردید، او قوماندانان خود را جهت سرکوب کامل حزب وحدت، و راندن هزاره ها از غرب کابل و تصرف مناطق تحت تسلط آنها بسیج کرد. سر بریده سخن ندارد، هزاره خوب هزاره مرده است، رؤس خشن ترین و تکاندهنده ترین شعارها و عملکردهایی بود که به وسیله قوماندانان او در افشار عملی شد. که بدون هدایت «سیاف» جامعه عمل نمی پوشید.

ادامه دارد